

## رسیدن

تو ابری که داری برآیم ترانه  
درخت دلم دارد از تو نشانه  
تو آواز بادی که با بی‌قراری  
به صحرای تشنه قدم می‌گذاری  
منم دانه‌ای تشنه در خاک پنهان  
تو نوری تو نوری تو باران تو باران  
تو دوری، تو دوری زهر گونه زشتی  
تو سبزی تو سبزی تو اردیبهشتی  
پروبال من ناتوان از رسیدن  
تو آموختی پر گشودن، پریدن

حسین احمدی

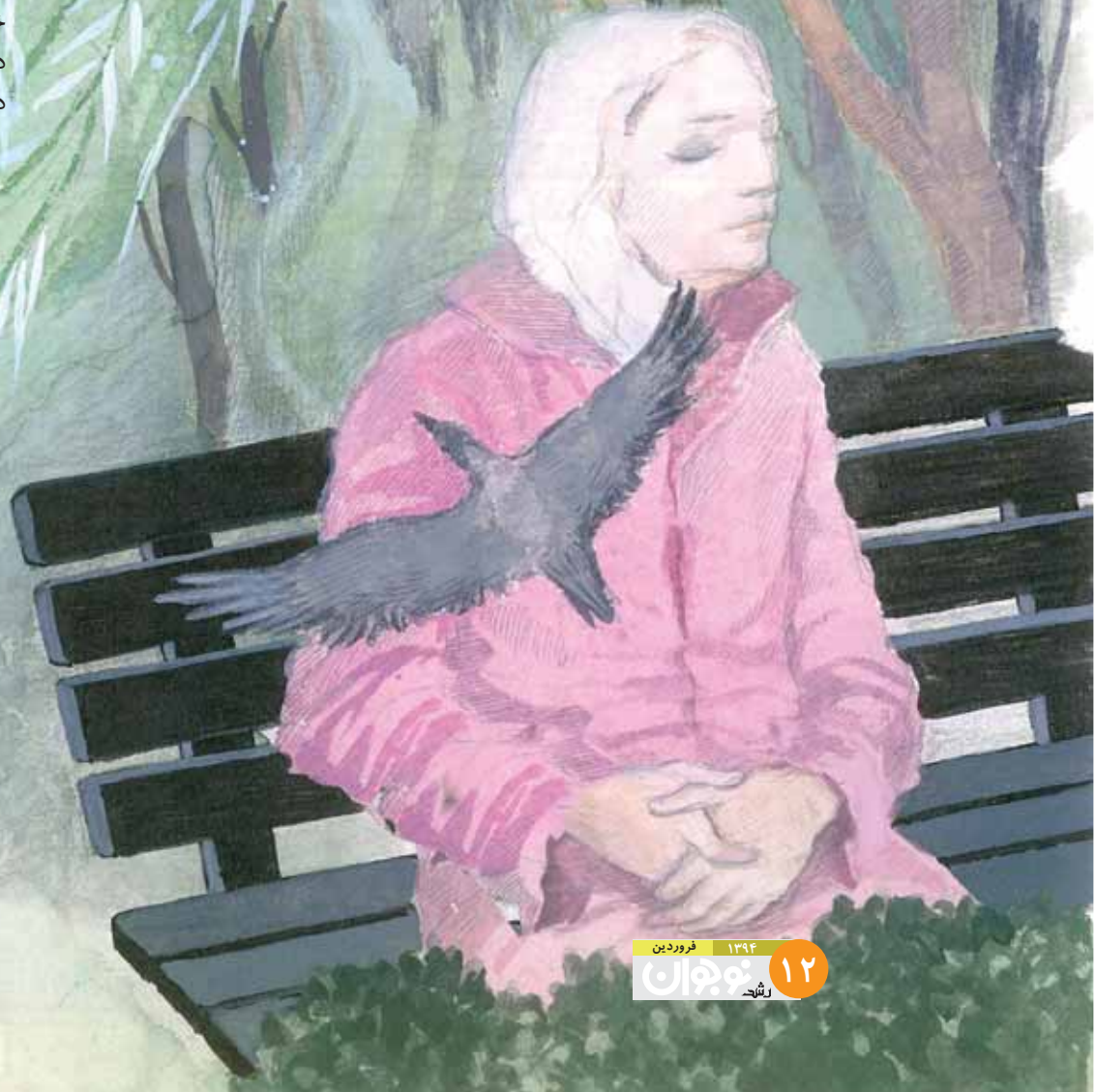
## دوستی یعنی

دوستی یعنی اگر باشی  
حال من خوب است و سرشارم  
دوستی یعنی بدون تو  
ابرم و یک‌ریز می‌بارم

دوستی یعنی دوباره قهر  
بی‌خبر از حال هم بودن  
قهر یعنی مثل یک قوطی  
در ته یک ذره فرسودن

باز گشتن، آشتی  
گپ‌زدن طولانی و یک‌ریز  
راه رفتن‌های بی‌پایان  
زیر باران عصر یک پاییز

با تو یعنی باز هم هستند  
خنده‌های ریز ریز من  
دوست یعنی دوست دارم  
دوست خوب و عزیز من  
عباسعلی سپاهی‌یونسی



# بهار برده دلم را

بهار برده دلم را  
به کوچ سبز پرستو  
به شر شر لب چشمه  
به یک جهان گل شببو

به موج‌های طلایی  
کنار ساحل دریا  
به شهر روشن خورشید  
به جشن رویش گل‌ها

بهار برده دلم را  
هوا، هوای شکفتن  
چه حس تازه و خوبی‌ست  
از آیه‌های تو گفتن

مرضیه تاجری

## شاید

چشم‌هایم را می‌بندم  
پرنده‌ای می‌آید  
روی پلک‌هایم لانه می‌سازد  
شاید  
خواب پرواز ببینم

نرگس برهمند

### شاعران ایران



سلمان هراتی

سلمان هراتی، شاعر معاصر اول فروردین ۱۳۳۸ در مرزدشت تنکابن متولد شد و در ۹ آبان ۱۳۶۵ درگذشت. او از شاعران متعدد و مذهبی بود. «از آسمان سبز»، «دری به خانه خورشید» و «از این ستاره تا آن ستاره» نام مجموعه شعرهای اوست.

نمونه اشعار

## نیایش واره

جهان، قرآن مصور است  
و آیه‌ها در آن  
به جای آنکه بنشینند، ایستاده‌اند  
درخت یک مفهوم است  
دریا یک مفهوم است  
جنگل و خاک و ابر  
خورشید و ماه و گیاه  
با چشم‌های عاشق بیا  
تا جهان را تلاوت کنیم.

## از این ستاره تا آن ستاره

پدرم کارگر است  
به مزرعه می‌آید  
با آخرین ستاره  
از آسمان صبح  
و باز می‌گردد  
با اولین ستاره  
در آسمان شب  
پدرم خورشید است.

### شاعران جهان

## اگر پروانه‌ای را بگیری

اگر پروانه‌ای را بگیری  
و آن را در شیشه نگه داری  
خواهی دید  
که ستاره کوچکی را  
از دست داده‌ای  
اگر او را رها کنی  
تا به آسمان شب برگردد  
خواهی دید  
که دوباره می‌درخشد  
آن ستاره کوچک

لیلیان مور شاعری که ما را به مدرسه آورد

ترجمه:

مهدی مرادی

سال ۱۹۰۹، لیلیان مور در نیویورک آمریکا به دنیا آمد. لیلیان نقش مهم و ارزنده‌ای در رشد و گسترش شعر و ادبیات کودک و نوجوان در نیمه دوم قرن بیستم داشت. مور بعدها معلم شد و برای بچه‌ها شعر و داستان نوشت. ابتدا آثارش را با نام مستعار سارا اندرسن برای بچه‌ها می‌نوشت. اولین کتابش «رزی پیر، آسی» که هیچ‌کس او را درک نکرد» نام داشت. کتاب‌های لیلیان مور، چه در زمینه شعر و چه در زمینه داستان جایزه‌های بسیاری دریافت کرده‌اند. نام بعضی از کتاب‌های او به قرار زیر است: «جیب‌های مهم پُل»، «ماری که راهی مدرسه شد»، «تونی و پونی»، «روزی روزگاری، یک روز تعطیل»، «یک چیز تازه شروع می‌شود»، «قبیلا هیچ‌وقت این کار را نکرده بودم»، «شعرها هم ریشه دارند»، «من یک کوچولو هستم و شعرهای دیگر»، «مُرال در خیابان دوم و شعرهای شهری دیگر»، «هانس کریستین اندرسن، جوجه اردک زشت»، «توی خیارها با شما ملاقات خواهیم کرد»، «وقتی سرگرم تعقیب یک کلاه بودی»، «به گمانم صدای شهر را شنیدم» و ... وی در سال ۲۰۰۴ درگذشت.